

**علی اکبر(ع)، شبیه ترین فرد به پیامبر(ص)**

حضرت علی اکبر (ع) فرزند اباعبدالله الحسین(ع) بنا به روایتی در یازدهم شعبان، سال 43 قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود.



حضرت علی اکبر (ع) فرزند اباعبدالله الحسین(ع) بنا به روایتی در یازدهم شعبان، سال 43 قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر گرامی اش امام حسین (ع) و مادر محترمه اش لیلی دختر ابی مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی است. او از طایفه خوش نام و شریف بنی هاشم بود. و به بزرگانی چون پیامبر اسلام(ص)، حضرت فاطمه زهرا(س)، امیر ممان علی بن ابی طالب(ع) و امام حسین (ع) نسبت دارد.

اگر پروردگار دهها فرزند پسر به من عنایت کند نام همه ی آنها را علی می گذارم و اگر دهها فرزند دختر به من عطا، نماید نام همه ی آنها را نیز فاطمه می گذارم

نقل است روزی علی اکبر(ع) به نزد والی مدینه رفته و از طرف پدر بزرگوارشان پیغامی را خطاب به او می برد، در آخر والی مدینه از علی اکبرسؤال کرد نام تو چیست؟ فرمود: علی سؤال نمود نام برادرت؟ فرمود: علی آن شخص عصبانی شد، و چند بار گفت: علی، علی، علی، " ما یُریدُ اَبُوک؟ " پدرت چه می خواهد، همه اش نام فرزندان را علی می گذارد، این پیغام را علی اکبر(ع) نزد اباعبدالله الحسین (ع) برد، ایشان فرمود: والله اگر پروردگار دهها فرزند پسر به من عنایت کند نام همه ی آنها را علی می گذارم و اگر دهها فرزند دختر به من عطا، نماید نام همه ی آنها را نیز فاطمه می گذارم.

علی اکبر(ع) جوانی خوش چهره، زیبا، خوش زبان و دلیر بود و از جهت سیرت و خلق و خوی و رخسار، شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم(ص) بود و شجاعت و رزمندگی را از جدش علی ابن ابی طالب (ع) به ارث برده و دارای کمالات و محاسن بود.

در روایتی به نقل از شیخ جعفر شوشتری در کتاب خصائص الحسینیة آمده است: در روز عاشورا اباعبدالله الحسین هنگامی که علی اکبر را به میدان می فرستاد، به لشگر خطاب کرد و فرمود: " یا قوم، هولاء قد برز علیهم غلام، اشیبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسول الله..... " ای قوم، شما شاهد باشید، پسری را به میدان می فرستم، که شبیه ترین مردم از نظر خلق و خوی و منطق به رسول الله (ص) است بدانید هر زمان ما دلمان برای رسول الله(ص) تنگ می شد نگاه به وجه این پسر می کردیم.

روز عاشورا نیز پس از شهادت یاران امام، اولین کسی که اجازه میدان طلبید تا جان را فدای دین کند او بود

حضرت علی اکبر در کربلا حدود 25 سال داشت. برخی راویان سن ایشان را 18 سال و 20 سال هم گفته اند. او اولین شهید عاشورا از بنی هاشم بود. شجاعت و دلوری حضرت علی اکبر (ع) و رزم آوری و بصیرت دینی و سیاسی او، در سفر کربلا به ویژه در روز عاشورا تجلی کرد. سخنان و فداکاریهایش دلیل آن است. وقتی امام حسین (ع) از منزلگاه قصر بنی مقاتل گذشت، روی اسب چشمان او را خوابی ربود و پس از بیداری "انا لله و انا الیه راجعون" گفت و سه بار این جمله و حمد الهی را تکرار کرد. حضرت علی اکبر (ع) وقتی علت این کار را پرسید، حضرت فرمود: در خواب دیدم سواری می گوید این کاروان به سوی مرگ می رود. پرسید: مگر ما بر حق نیستیم؟ فرمود: چرا. پس گفت: "فاننا اذن لا نبالی ان نموت محقین" پس باکی از مرگ در راه حق نداریم.

روز عاشورا نیز پس از شهادت یاران امام، اولین کسی که اجازه میدان طلبد تا جان را فدای دین کند او بود. اگر چه به میدان رفتن او بر اهل بیت و بر امام بسیار سخت بود، ولی از ایثار و روحیه جانبازی او جز این انتظار نبود. وقتی به میدان می‌رفت، امام حسین(ع) در سخنانی سوزناک به آستان الهی، آن قوم ناجوانمرد را که دعوت کردند ولی تیغ به رویشان کشیدند، نفرین کرد. علی اکبر چندین بار به میدان رفت و رزمهای شجاعانه‌ای با انبوه سپاه دشمن انجام داد.

پیکار سخت، او را تشنه تر ساخت؛ به خیمه آمد. بی آنکه آبی بتواند بنوشد، با همان تشنگی و جراحت دوباره به میدان رفت و جنگید تا به شهادت رسید. وقتی امام بر بالین او رسید که جان باخته بود. امام حسین (ع) صورت بر چهره خونین حضرت علی اکبر (ع) نهاد و دشمن را نفرین کرد.

خواهی که ببینی رخ پیغمبر را

بنگر رخ زیبای علی اکبر را

در منطق و خلق و خوی او می بینی

با دیده ی جان محمدی دیگر را